

تبیین جایگاه حقوق شهروندی در مدل‌های طراحی معماری مبتنی بر منابع اسلامی^۱

مصطفی کرمی*: کارشناسی ارشد معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران
MK8498784987@gmail.com

چکیده

حقوق شهروندی از جمله مباحث نوظهور در ادبیات علمی کشور است که می‌تواند به عنوان محتوایی مهم در معماری تجلی یافته و موجب ارتقا آن شود. بنابراین هدف این پژوهش مشخص کردن جایگاه حقوق شهروندی مبتنی بر منابع و مبانی اسلامی در معماری و ارائه مدلی کاربردی و قابل تلفیق با دیگر مدل‌های طراحی معماری و در راستای ارتقای آن‌هاست. بدین منظور در مرحله اول، با استفاده از روش تحلیل محتوا، مدل‌های مختلف بررسی و معرفی می‌شوند و در مرحله دوم، با بهره‌گیری از روش‌های تحلیلی و نقد تفسیری مبانی حقوق شهروندی مشخص شده و با بکارگیری روش تحلیلی-تفسیری، راهکارهای ارتقاء حقوق شهروندی ارائه می‌گردد. در مرحله سوم پژوهش با استفاده از روش استدلال منطقی مدل «حقوق شهروندی» ارائه و نحوه پیوند آن با مدل‌های دیگر بیان می‌شود. براساس یافته‌ها در فاز اول تحقیق، مشخص شد که مدل‌های «لاوسون»، «گیفورد»، «لنگ» و «مدل تبیین‌گر محتوای طراحی و معماری» کاربردی‌ترین مدل‌ها در ادبیات علمی معماری کشور هستند و یافته‌های مرحله دوم نشان داد که حقوق شهروندی برحسب شرایط زمانی-مکانی با مفاهیمی مانند آزادی خواهی (Liberalism)، جامعه‌گرایی (Socialism) و جمهوری‌گرایی (Republicanism) آمیخته شده است، در این بین منشور حقوق شهروندی ایران (مصوب ۱۳۹۵) با مفاهیم لیبرالیسم هسوئی و قرابت دارد، همچنین مشخص شد که برای ارتقا حقوق شهروندی می‌توان از مبانی حقوق اسلامی (که برآمده از منابع دینی هستند) بهره گرفت و حقوق مختلفه را براساس دوگانه «حق/تکلیف» بازنویسی کرد، بدین صورت که در حقوق اسلامی، «حق‌الناس» وجهه کامل‌تری از حقوق شهروندی را ارائه داده و مقدم بر «حق‌الله» است، یعنی شرط ایفای حق‌الله، ایفای حق‌الناس است، بنابراین در مرحله سوم پژوهش، مدل مذکور براساس دوگانه حق/تکلیف و با تقدم حق‌الناس بر حق‌الله در ۱۷ بند ارائه گردیده، به ترتیبی که مبانی حقوقی ارائه شده قابلیت دربرگیری مدل‌های طراحی را داشته و امکان سنجش مبانی نظری و نتیجه طراحی را براساس اصول حقوق شهروندی اسلامی را فراهم می‌آورد.

واژه‌های کلیدی: مدل طراحی، حقوق شهروندی، شهروند اسلامی، طراحی معماری، ارتقا محتوا.

^۱ این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای مصطفی کرمی با عنوان «طراحی مجتمع قضائی با تاکید بر ارتقا حقوق شهروندی در تهران» به راهنمایی خانم دکتر راضیه لیب‌زاده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات است.

مقدمه

امروزه مدل‌های مختلفی در ادبیات علمی جهانی برای ارتباط بین محتوا و طراحی ساخته شده است، از جمله این موارد می‌توان به مدل لنگ (۱۳۹۳)، لاوسون (۱۳۹۲)، گیفورد (۱۹۵۹) اشاره کرد، که از نظر محتوایی ناراسائی‌هایی در کاربرد آن‌ها قابل مشاهده است (لیبب‌زاده و حمزه‌نژاد ۱۳۹۷، ۱۸). از طرفی می‌توان گفت که مدل‌های مذکور به کلیات پرداخته و «محتوای مصداقی» در آن‌ها بررسی نشده است. یکی از مفاهیم مصداقی که می‌تواند در مدل‌های طراحی وارد شود، مبحث حقوق شهروندیست. شهروندی مفهومی کهن است که در دو دهه اخیر مورد توجه سیاستمداران قرار گرفته، این مفهوم در جغرافیای سیاسی تعریف شده و ارتباط وثیق با تابعیت افراد دارد. کلی‌ترین تعریف از شهروندی را می‌توان «حقوق اتباع یک کشور در رابطه با مؤسسات عمومی» نامید (جعفری‌لنگرودی ۱۳۸۷، ۱۷۳). واژه شهروند مشتق از حقوق یونان باستان است که در مورد ساکنین یونان به کار می‌رفته و دارای دو درجه بوده است: شهروند درجه یک (که به یونانیان اصیل بودند) و دیگری شهروند درجه دو (به افرادی که یونانی نبوده، اما ساکن یونان بوده‌اند، اطلاق می‌شد).

تعریف شهروندی از دیدگاه یونانیان باستان «ارتباط فرد با هر دولت-شهر بوده است». شهروندان دولت-شهرهای یونان خود را با فضیلت‌ترین انسان‌ها نسبت به سایر اقوام می‌دانستند؛ ولی با تشکیل اجتماعات مختلف و اعطای شهروندی به افراد دیگر اقوام، از ادعای برتری خود عقب‌نشینی کرده و حقوق دیگران را به رسمیت شناختند. مفهوم شهروندی در یونان باستان به معنی داشتن حقوق و تکالیف یکسان برابر قانون و نیز مشارکت در امور سیاسی و عمومی جامعه وجود داشت، البته لازم به ذکر است که این حق و تکلیف مختص به مردان بالغ بود و زنان و کودکان را شامل نمی‌شد (Termer 2007, 159). همچنین حقوق شهروندان اساسی نظریات متفکرین رنسانس را تشکیل می‌داد و در نظر آنان انسانیت فرد، تنها به عنوان شهروند در جامعه آزاد تحقق می‌یافت.

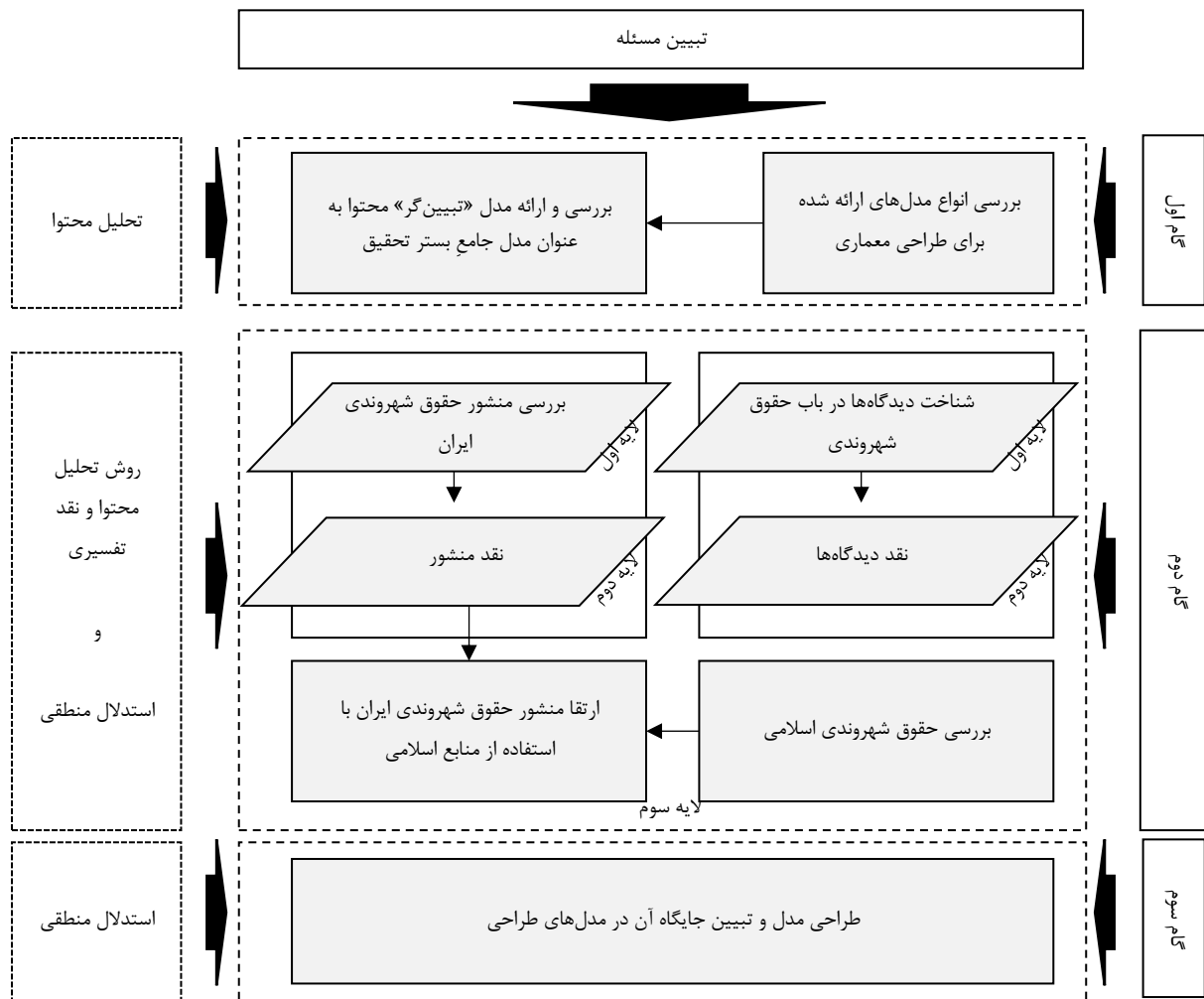
این دیدگاه ریشه در جنگ بین انگلستان و فرانسه در قرن ۱۳ میلادی دارد، نتیجه این جنگ شکست انگلیس و صدور منشور کبیر یا ماگناکارتا بود، این منشور نقطه عطفی در تحولات سیاسی و اجتماعی شهروندیست؛ در بندهای این منشور به آزادی سیاسی و اجتماعی پرداخته و عنوان کرده است هیچ آزادمردی را نباید بازداشت، زندانی و تبعید کرد یا محروم از حقوق اجتماعی نمود، مگر به حکم مشروع. این قانون یکی از دستاوردهای مهم بشر در قرون وسطی برای ایجاد حقوق شهروندی محسوب می‌شد. اما مفهوم شهروندی در طی زمان، همانند سایر مفاهیم اجتماعی دچار تحولات فراوانی شده است. شاید بتوان نقطه عطف این تحولات را انقلاب کبیر فرانسه دانست که مفهوم شهروندی در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۷۱۹ کشور فرانسه به اوج شکوفایی خود رسید.

جایی که مجلس فرانسه درخواست کرد به عنوان قدمی در راه دموکراسی همگانی اقتضای شهروند فرانسوی به همه فیلسوفان خارجی که با شجاعت از اصل آزادی دفاع کرده‌اند، اعطا شود؛ پیام انقلاب فرانسه که همان آزادی نوع بشر بود، مورد استقبال دیگر روشنفکران و عامه اروپائیان و سپس جهانیان قرار گرفت، با این تفاسیر، شهروندی به عنوان یک «مفهوم پویا» مطرح می‌شود که تأمین آن فراتر از دولت‌ها بساط یافته و ابعاد فرهنگی در بررسی آن مورد توجه قرار می‌گیرد (بشیره ۱۳۸۶، ۲۲۶). این گزاره‌ها در عین تفاوت داشتن بر این نکته تأکید دارند که حقوق شهروندی به عنوان یک «محتوا» مطرح است و «توجه به محتوا می‌تواند منجر به ارتقا و بارور شدن معماری گردد» (لیبب‌زاده، حمزه‌نژاد، و خان‌محمدی ۱۳۹۶، ۳۱).

وجه دیگر مسئله، توجه به جایگاه معماری به عنوان ظرف حیات انسان برای جاری شدن «محتواها» در زندگی شهروندان است، این امر ضرورت پرداختن به حقوق شهروندی در روند طراحی معماری را مشخص می‌کند، بنابراین هدف اصلی این پژوهش مشخص کردن جایگاه حقوق ارتقا یافته شهروندی براساس مبانی اسلامی در مدل‌های طراحیست، که می‌تواند در مقیاس گسترده‌تری منجر به گسترش حقوق شهروندی در جامعه شود. در این مسیر پس از بررسی پیشینه و ادبیات موضوع، مهم‌ترین مدل‌های طراحی بررسی و معرفی می‌شوند، سپس دیدگاه‌های اصلی در باب حقوق شهروندی مشخص شده و نقاط ضعف هر نوع معلوم می‌گردد، در گام بعدی به حقوق شهروندی ایران (مصوب ۱۳۹۵) و نقد آن پرداخته خواهد شد تا ضمن روشن شدن نقاط مبهم آن، بتوان با استفاده از منابع اسلامی موارد مذکور را ارتقا بخشید، در پایان نیز جایگاه حقوق شهروندی به عنوان یکی از موارد «محتوایی» در مدل‌ها ارائه می‌گردد.

روش تحقیق

با توجه به هدف و ساختار بیان شده، در گام اول تحقیق، مهم‌ترین مدل‌های طراحی با استفاده از روش «تحلیل محتوا» مطالعه و بررسی می‌گردند، مطالب این بخش، قسمتی از پیشینه و قسمتی از مبانی نظری را تشکیل می‌دهد. گام دوم تحقیق در سه لایه خواهد بود: در لایه اول، با استفاده از روش «تحلیل محتوا»، اهم دیدگاه‌ها در باب حقوق شهروندی مشخص شده و سپس در لایه دوم با رویکردی «نقدانه و تفسیری» نقاط ضعف هر نوع بیان خواهد شد، این دو لایه در بررسی منشور حقوق شهروندی ایران تکرار شده تا ضمن روشن شدن نقاط ضعف آن، بتوان در لایه سوم با استفاده از منابع اسلامی نقاط آن‌ها را پوشش داد، در گام سوم نیز با استفاده از روش «استدلال منطقی» جایگاه حقوق شهروندی در مدل تبیین‌گر رابطه محتوا و دیگر مدل‌های محتوا محور طراحی مشخص می‌شود (نمودار ۱)، (با اقتباس از گروث و وانگ ۱۳۹۴).



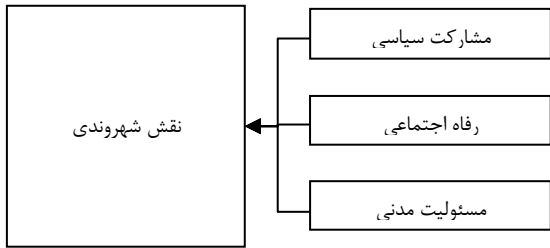
نمودار ۱. روش تحقیق. (منبع: نگارنده)

پیشینه و ادبیات موضوع

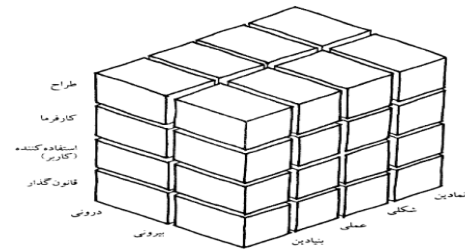
همان‌گونه که در بخش‌های قبلی مشخص شد، حیطه این پژوهش در دو مبحث «طراحی» و «حقوق شهروندی» است، بنابراین ضروریست که پیشینه و ادبیات مرتبط به هر دو موضوع بررسی گردد. در ابتدای این بخش خلاصه‌ای از منابع حقوقی که در چارچوب معماری و شهرنشینی هستند ارائه شده و سپس به بررسی مهم‌ترین مدل‌های طراحی در ادبیات جهانی پرداخته می‌شود.

الف) حقوق شهروندی در معماری و شهرنشینی

مفهوم شهروندی اهمیت بسیاری برای علوم اجتماعی به منزله یک «مبحث کلی» دارد، در حقیقت، تفکیک بحث درباره شهروندی از طیفی از موضوع‌های مرتبط مانند ماهیت مشارکت دموکراتیک، تحلیل حق‌های اجتماعی، مشروعیت نظم عمومی و ماهیت دولت در جامعه‌های انسانی دشوار است. مقاله‌های مختلف ارائه شده درباره شهروندی پیچیدگی این مفهوم و ماهیت آن در تحلیل و پژوهش علم اجتماعی را بازتاب می‌دهد. می‌توان شهروندی را مجموعه‌ای از حق‌ها (و تکلیف‌ها) در نظر گرفت که تعیین کننده عضویت اجتماعی-سیاسی‌اند و نتیجه آن عبارت است از تخصیص منابع جمعی به گروه‌های اجتماعی، خانوارها یا افراد. بدین ترتیب، شهروندی به منزله دسته‌ای از استحقاق‌ها و تکلیف‌ها تعریف می‌شود که افراد را به منزله اعضای کاملاً رشید و بالغ یک اجتماع سیاسی-اجتماعی در آورده و دسترسی به منابع کمیاب را برای آنان فراهم می‌کند (Termer 2007, 155). شهروندی به مثابه یک سامانه حمایت فردی در سده بیستم در واکنش به موضوع‌هایی مانند محرومیت نژادی، بازار و دیگر شکل‌های نابرابری اقتصادی، و تفاوت‌های موجود در مورد گروه‌هایی مانند زنان، کودکان و ناتوانان توسعه یافته است. پاسخی پیچیده‌تر استدلال می‌کند که شهروندی اجتماعی در جامعه‌های مدرن برای ایجاد گونه‌های جدید همبستگی اجتماعی بر پایه روابط همگانی عمل می‌کند. به طور خلاصه، شهروندی جنبه‌ای از دین مدنی جامعه مدرن است و به مثابه دین ایده‌یست که به طور مستقیم از نظریه قرارداد اجتماعی ناشی می‌شود (Lessonoff 1990). تی. اچ. مارشال شهروندی را یک موقعیت یا منزلت در نظر گرفته و به جای بحث اخلاقی یا تاریخی کوشید آن را در نظام دانش اجتماعی توضیح دهد. این نظریه‌پرداز در واقع، شهروندی را به عنوان یک مفهوم طرح کرد تا واقعیت شهروندان را با رویکرد پیشینی معنا دهد. گرچه مخالفانی او را به نادیده گرفتن وجوه اقتصادی شهروندی متهم می‌کنند و تأکید کرده‌اند که کار وی صرفاً کاری در زمینه‌ی شهروندی اجتماعی بوده و او جنبه‌های دیگر شهروندی نظیر شهروندی فرهنگی را در نظر نگرفته است، اما مارشال شهروندی را دارای سه وجه سیاسی، اجتماعی و قانونی می‌داند که هر یک در امری متجلی می‌شوند و معتقد است که شهروندی منزلتی است که قرار گرفتن در آن به معنای پذیرفتن سه نقش مشارکت سیاسی، پذیرش رفاه اجتماعی و مسئولیت مدنی است (نمودار ۲).



نمودار ۲. شهروند از دیدگاه تی‌اچ مارشال، (ماخذ: کریمی و کامیار ۱۳۹۶)



تصویر ۲. الگوی تکمیل شده مسئله طراحی. این الگو محتوای خاصی برای طراحی ارائه نمی‌کند، اما طریقه عملکرد هر محتوا و میزان انعطاف پذیری آن را روشن می‌سازد. این الگو می‌تواند مبنایی برای طراحی الگوهای متخلف باشد. (ماخذ: لائوسون ۱۳۹۲، ۱۳۱)

با توجه به ماهیت موضوع شهروندی، می‌توان گفت بخش زیادی از مباحث مرتبط به آن وابسته به رشته‌های مختلف از شاخه‌های علم حقوق است، اما می‌توان از کتاب «حقوق شهروندی در قلمرو شهرنشینی» به عنوان یکی از منابع مهم در ارتباط بین شهروندی و معماری یاد کرد، این کتاب در بخش اول به بررسی نظرات اندیشمندان در باب حقوق شهروندی، تعریف مفهومی آن و تبیین تمایز آن با مفاهیم مشابه مثل حقوق بشر و حقوق مدنی می‌پردازد. در بخش دوم کتاب مذکور راهکارهای عملی تأمین حقوق مبنایی شهروندی با تأکید بر حقوق شهرنشینی ارائه می‌شود، این راهکارها شامل حق خلق فضای شهری و سرپناه، تعریف جایگاه حق مسکن در قانون شهروندی، حق محیط زیست سالم و حق آمد و شد آسان است. بخش سوم کتاب به صورت جزئی‌تر به بررسی بازتاب حقوق شهروندی در فرآیند تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری پرداخته است (کریمی و کامیار ۱۳۹۶). با بررسی محتوای این کتاب می‌توان گفت که سیر بررسی‌های آن از محتوا به مصداق است، به صورتی که در بخش‌های اولیه مفاهیم حقوق شهروندی بررسی شده و در بخش‌های پایانی نقش آن بر طرح‌های جامع شهری، تحدید حقوق مالکانه و حق مرغوبیت شهری معلوم می‌شود. لازم به ذکر است با توجه به ماهیت پژوهش بخشی از ادبیات موضوع در باب حقوق شهروندی در بخش‌های بعدی ارائه خواهد شد.

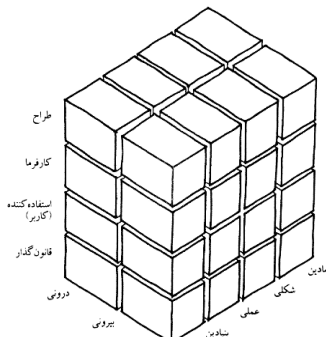
ب) بررسی نظام‌های مدل‌سازی موجود در مبحث طراحی و ارزیابی

۱) مدل نظریه طراحی محیط

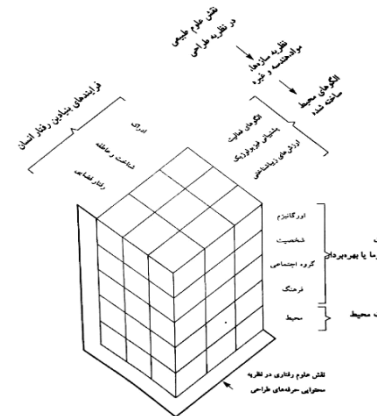
این مدل در راستای طبقه‌بندی اطلاعات موجود و یا مورد نیاز در طراحی به صورت هنجاری و ارزشی ایجاد شده است. چگونگی دریافت فعالیت‌های مختلف انسان و آسایش روان‌شناختی او، عکس‌العمل در مقابل آن‌ها و درک‌های متفاوت فردی و محیطی از موضوعات مورد نظر طراحی محیط است که در مدل سه بُعدی موسوم به «نظریه محتوایی طراحی محیط» توسط جان لنگ (۱۳۹۳) ارائه شده است (تصویر ۱). با این مدل فوق می‌توان متغیرهای اصلی در ساخت مدل را استخراج نمود که شامل: علوم طبیعی، فرایندهای بنیادین رفتار انسان، ماهیت مخاطبان و ماهیت محیط است که براساس مسئله طراحی قابلیت تعمیم‌پذیری در موضوعات گوناگون را دارد.

۲) مدل مسئله طراحی

الگوی تکمیل شده مسئله طراحی نشان می‌دهد که سهم هریک از مولدها در هریک از عوامل موثر بر طرح از بُعد نظری چگونه است. این مدل براساس محدودیت‌های هریک از عوامل موثر بر طراحی شکل گرفته است (تصویر ۲)، (لائوسون ۱۳۹۲، ۱۳۰). براساس این مدل، سه متغیر کلی برای محدودیت‌ها در مسائل طراحی می‌توان استنباط کرد، دسته اول محدودیت‌های مرتبط به مولدهاست، دسته دوم، محدودیت‌های مرتبط به زمینه و بستریهای مختلف است و دسته سوم، محدودیت‌های خاص مرتبط به عناصر طراحیست. لائوسون مسائل بیشتری را در طراحی مدل خود در نظر گرفته است، این امر منجر ایجاد ساختاری سه‌بعدی برای مدل طراحی وی شده است، این مدل که به عنوان «الگوی تکمیل شده مسئله طراحی» ارائه شده و قیود نمادین، شکلی، عملی و بنیادین را معرفی می‌کند و اعلام می‌دارد که این قیود ریشه در قانون، استفاده‌کننده، کارفرما و طراح دارد، برخی از آن‌ها ممکن است ساختاری درونی و برخی دیگر بیرونی داشته باشد براساس این مدل و براساس درونی یا بیرونی بودن محدودیت‌ها، قیود قانون‌گذار کمترین انعطاف و قیود طراح بیشترین انعطاف را خواهد داشت (لائوسون ۱۳۹۲، ۱۲۹). بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که محتوا در وابستگی کامل به طراح، کارفرما، استفاده‌کننده و قانون‌گذار است و می‌تواند در مراتب مختلفی ظهور کند.



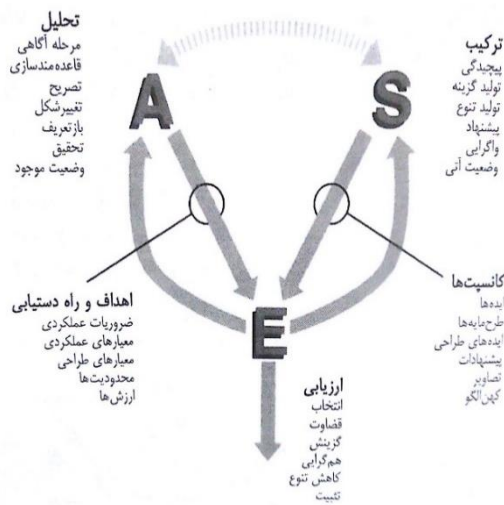
تصویر ۲. الگوی تکمیل شده مسئله طراحی. این الگو محتوای خاصی برای طراحی ارائه نمی‌کند، اما طریقه عملکرد هر محتوا و میزان انعطاف پذیری آن را روشن می‌سازد. این الگو می‌تواند مبنایی برای طراحی الگوهای متخلف باشد. (ماخذ: لائوسون ۱۳۹۲، ۱۳۱)



تصویر ۱. مدلی برای سازمان دادن به نقش علوم رفتاری در نظریه محتوایی - اثباتی حرفه‌های طراحی. این مدل متبیین بر ادبیات روانشناختی تجربه‌گرا بوده و مخاطب محور است. (ماخذ: لنگ ۱۳۹۳، ۱۲۲)

۳) مدل فرایند طراحی

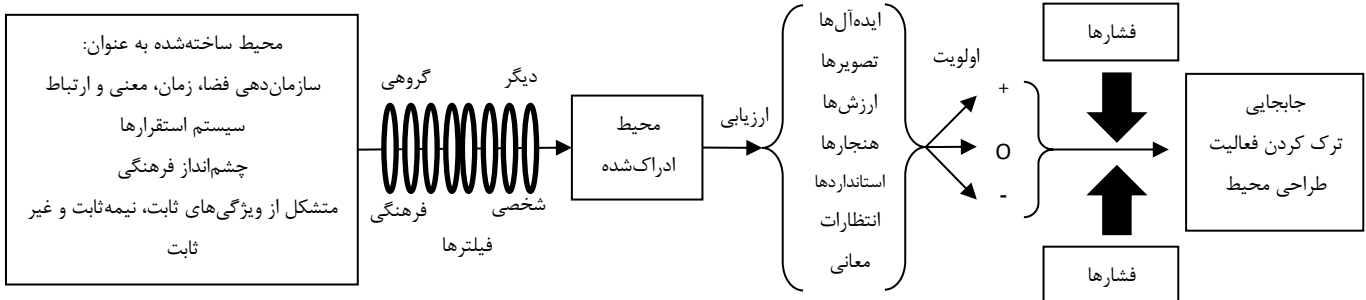
الگوی فرایند طراحی، مدلی جهت بررسی فعالیت‌های مشترک طراحان و برنامه‌ریزان معماری بوده و شامل سه بخش اصلی تحلیل، ترکیب و ارزیابی است. این فرایند، یک فرایند خطی نیست و به صورت سلسله مراتبی عمل نمی‌کند و براساس آن فرصت‌های زیادی برای بازگشت و یا جهش از یک مرحله به مرحله بعدی به وجود می‌آید. حاصل این مدل نزدیک شدن به «حوزه راه حل» است (دورک ۱۳۹۴، ۱۹). (تصویر ۳).



تصویر ۳. فرایند طراحی براساس مراحل تحلیل، ترکیب و ارزیابی. (ماخذ: دورک ۱۳۹۴، ۱۹).

۴) مدل فرآیند ارزیابی از محیط ساخته‌شده

این مدل برای ارزیابی پس از ساخت محیط‌های مختلف بکار می‌رود، براین اساس که محیط را مبتنی بر چهار مفهوم آن شامل: سازماندهی فضا-زمان، معنی و ارتباط، سیستمی از استقرارها، و چشم‌انداز فرهنگیست، ادارک محیط توسط مخاطبان براساس فیلترهای درونی مثل گروه زندگی، فرهنگ، مسائل شخصی و دیگر موارد مشابه آن صورت می‌گیرد که منجر به ارزیابی و امتیازدهی به محیط می‌شود، علاوه بر مسائل مرتبط به محیط و مخاطب، فشارهای بیرونی مانند سیاست، اقتصاد نیز در تصمیم نهایی مخاطب موثر است (تصویر ۴). این مدل با تغییرات کوچکی می‌تواند برای موقعیت‌های فراوانی به کار رود (راپاپورت ۱۳۹۱، ۸۳).



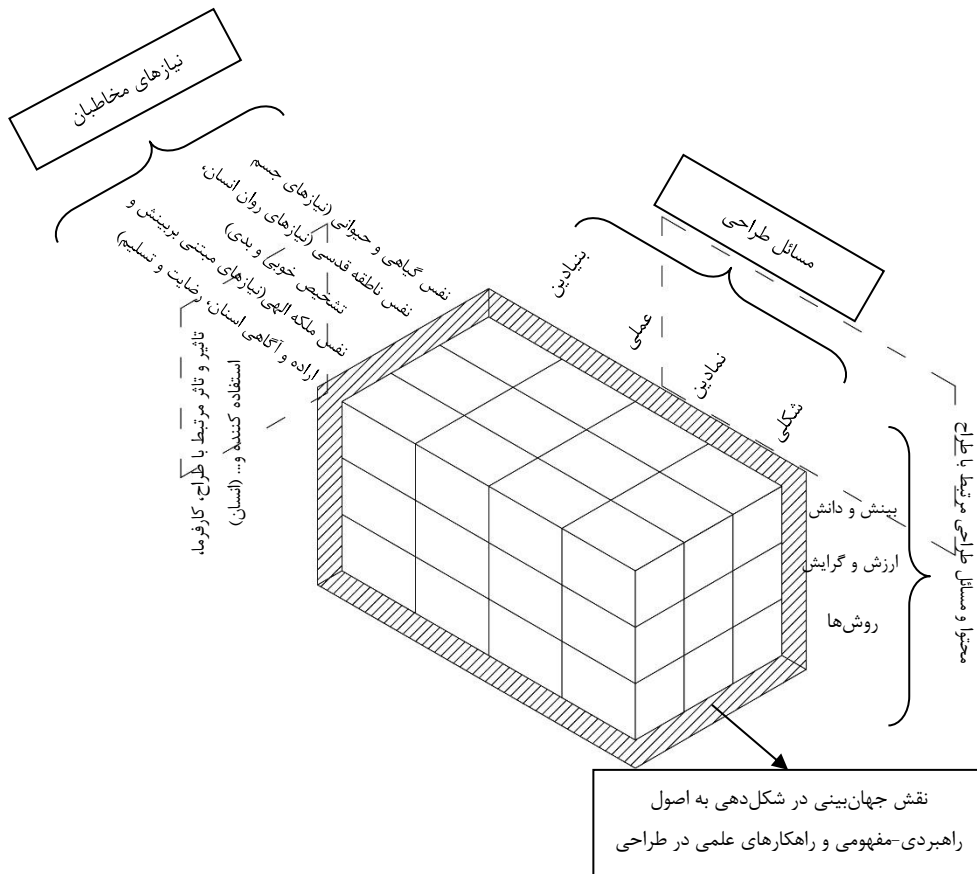
تصویر ۴. مدلی از فرآیند ارزیابی. (ماخذ: راپاپورت ۱۳۹۱، ۸۳).

۵) مدل تبیین‌گر جایگاه محتوا در طراحی

مدل‌های بررسی شده-که بیشتر بر مبنای مکاتب فلسفی تجربه‌گرا هستند-تلاش در جهت تلفیق عوامل مؤثر بر اقدامات طراحانه در چارچوبی سه‌بعدی و با قابلیت برهم کنش میان اجزا را دارند. اینگونه چارچوب‌ها (مدل‌های لائوسن و گیلفورد) حاوی نظریه‌ای در مورد شبکه «کامل» عوامل مؤثر در فرایند طراحی‌اند و تلاش می‌کنند عوامل تجربی (مثل کارفرما، قانون گذار و...) و مفاهیم عقلانی (مثل صوری، نمادین و...) را در یک سامانه ترکیب کنند، حداقل فایده این مدل‌ها ارائه ابزارهای پاینده برای صورت‌بندی تفکر انسان در اقدام طراحی و مهم‌تر از آن فراهم آوردن چارچوب‌های نظری برای پژوهش‌های جدید است در این مدل‌ها، تأکید بر اثرگذاری محتوا بر سایر مؤلفه‌ها و به ویژه عملکرد، حلقه مفقوده است و ابعاد محتویات نمادین و معنایی، فرهنگ و ارزش‌های زیبایی شناختی از مقوله محتوا به معنای مبنای نظری طرح و حکمت نظری فاصله گرفته است. تبیین این جایگاه و مشخص کردن عوامل مؤثر بر فرایند طراحی منتج از محتوا، می‌تواند در ارتقا و تکمیل مدل‌های فوق و بکارگیری مؤثرتر آن‌ها در فرایند طراحی معماری نقش بسزایی داشته باشد. متأثر از آموزه‌های محتواگرایانه اسلام، به معنی مکتبی عام و متمایل به آرمان و کمال انسانی، بُعد محتوا شامل محتوای نظری و عملی است، این بُعد متشکل از: بینش‌ها و دانش‌ها (در دو بعد مکتب‌محکم نظری)، ارزش‌ها و گرایش‌هاست (حکمت عملی) و مبتنی بر بایدها و نبایدهای اخلاقی، اصول و احکام اسلامی و روش‌های مبتنی بر تعیین اولویت‌های عملی و اجرایی بسته به شرایط زمانی و مکانی (اجتهاد حرفه‌ای)، آموزش و مهارت عمل می‌کند. محتوا بر مسائل طراحی اثرگذار و مقدم بر آن است.

در مدل ارتقای یافته، مسائل طراحی از مدل لائوسن (۱۳۹۲) گرفته شده است: کارکردهای شکلی (که به سامان بصری شیء مربوط است)، کارکردهای نمادین (که به عنوان مفاهیم و معانی و نمادهای مبتنی بر محتوای نظری و عملی در طرح می‌توانند نمود یابند)، کارکردهای عملی (که با واقعیت تولید، ساختن و بنا کردن طرح، یا مسئله فناوری ارتباط دارد) و قیود بنیادین (که با مقاصد اولیه سیستمی که طراحی می‌شود سرو کار دارد)، عناصر تشکیل‌دهنده آن هستند (لیبب‌زاده، حمزه‌نژاد، و خان محمدی ۱۳۹۶، ۲۴). تأثیرات اثر خلق شده بر طراح و مخاطب مبتنی بر ساحت نفس انسان و چهار لایه آن است، نفس انسان از چهار ساحت گیاهی،

حیوانی، ناطقه قدسی و ملکه الهی ساختار یافته و هر کدام از نفوس تأثیر پذیری محتوایی و نتایج خاص خود را بر تکامل انسان دارند. پاسخ‌گویی به نفس گیاهی لازمه رشد، حیوانی لازمه حس و خشنودی و ناراحتی، نفس ناطقه قدسی لازمه حکمت و نزاهت و داوری و درک خوبی‌ها و بدی‌ها و زیبایی‌ها و زشتی‌ها و گرایش به خوبی و زیباییست، همچنین نفس ملکه الهی منشا رضایت و تسلیم (رضایت از هستی خود و جهان و تسلیم در برابر قوانین هستی) می‌باشد (نقره‌کار ۱۳۹۴، ۴۴). چهار ساحت نفس در مدل ارائه شده در سه دسته‌بندی ۱- نفوس گیاهی و حیوانی، ۲- نفس ناطقه قدسی و ۳- نفس ملکه الهی آمده است. در این راستا تصویر ۵ به عنوان مدل اصلاح، تکمیل شده مدل‌های تبیین‌گر رابطه محتوا و طراحی بر مبنای اندیشه اسلام، ارائه شده است (لبیب‌زاده، حمزه‌نژاد، و خان‌محمدی ۱۳۹۶، ۲۵).



تصویر ۵. مدل ارتقا یافته مدل‌های تبیین‌گر رابطه محتوا و طراحی، این مدل براساس آموزه‌های اسلامی ارائه شده، ساختار کامل‌تری نسبت به مدل‌های ارائه شده در بخش‌های قبلی دارد. (ماخذ: لیبیب‌زاده، حمزه‌نژاد، و خان‌محمدی ۱۳۹۶، ۲۴).

مدل ارتقا یافته مدل‌های تبیین‌گر رابطه محتوا و طراحی، از سه محور اصلی «محتوا»، «مسائل طراحی» و «تأثیرات» تشکیل شده است. نقش جهان‌بینی در شکل‌دهی به اصول راهبردی-مفهومی و راهکارهای علمی در طراحی بسیار تعیین‌کننده و زیربنای ارکان مدل است. دو بعد محتوا و مسائل طراحی مربوط به طراح است. محتوای طرح برگرفته از نوع بینش، دانش، ارزش، گرایش و روش‌ها و شیوه‌های عملی طراح است. مسائل طراحی شامل ابعاد نمادین، شکلی، عملی و بنیادین است. بعد سوم که مربوط به تأثیرات مخاطبین و هنرمند از اثر است در طیف تأثیرپذیری محتوایی نفوس انسان از رشدکننده گیاهی تا ملکه الهی امکان بررسی و ارزیابی طرح را در میزان توفیق به پاسخگویی به نیازهای نفوس در هر کدام از ابعاد مسئله طراحی فراهم می‌آورد. با توجه به بررسی سابقه موضوع در مباحث مرتبط با پژوهش، ضروریست که برای تبیین جایگاه حقوق شهروندی در مدل‌های طراحی مذکور، انواع دیدگاه‌ها در باب حقوق شهروندی بررسی و نقد گردد.

مبانی نظری

بخش‌های قبلی چيستی و مفاهیم اولیه از حقوق شهروندی را معرفی کردند، همچنین بیان شد که حقوق شهروندی مفهومی پویاست، بنابراین در رابطه با حقوق شهروندی، اندیشمندان لیبرال، جامعه‌گرا، جمهوریت‌گرا، باورمندان به نظریه‌های رادیکال و نیز اشکال شهروندی مانند شهروندی جنسیتی، فرهنگی، دینی، زیست محیطی و جهانی، قابل مطالعه هستند. در این بخش تنها به معرفی مختصر سه مکتب لیبرالیسم، جامعه‌گرایی و جمهوریت‌گرایی بسنده می‌شود؛ چرا که در حال حاضر از تأثیرگذارترین دیدگاه‌های شهروندی به شمار می‌روند و آشنایی با آن‌ها، بسیاری از مباحث مطرح در دیدگاه‌های دیگر را نیز، به طور مستقیم یا غیرمستقیم پوشش می‌دهد (حسینی‌بهشتی ۱۳۹۸، ۷).

الف) شهروند لیبرال

شهروندی لیبرال، مفهومی متمایز از شهروندی است که ارزش بنیادین آن در حداکثرسازی آزادی «فرد» نهفته است و بیش از همه به عنوان آزادی از مداخله حکومت در توسعه و طرح‌های شخصی معنی می‌شود. درست است که این آزادی‌ها شامل آزادی بیان و عقیده نیز می‌شود، اما قوت آن در حوزه خصوصی و بازار ملموس‌تر است. تأکید لیبرالیسم بر پایبندی به قانون اساسی با هدف محدود کردن این قدرت‌طلبی از طریق نهادهای همگانی و ارزش‌های اجتماعیت و وظیفه

جامعه مدنی لیبرال، حفظ استحکام اجرای قانون اساسی از طریق گونه‌های از شهروندی است که مستقل از مداخله حکومت، بسیاری از مسائل را خود حل کند. مزایای این تفسیر از شهروندی، آشکار است. آزادی افراد در شکل دادن و تحقق بخشیدن به سبک زندگی‌شان که رها از مداخله و اعمال قدرت حکومت است (مگر زمانی که به دیگران آسیب بزنند)، با این همه، باید توجه داشت که جهت‌گیری کلی لیبرالیسم، صرفاً در این خلاصه نمی‌شود که شهروندان را در پیگیری زندگی شخصی‌شان آزاد بگذارد. جامعه سرمایه‌داری رفاه‌گرا، جامعه‌ای سیاست‌زدایی شده است؛ جامعه‌ای از طریق سمت‌گیری رفاهی‌اش، شهروندان را به مثابه ارباب‌رجوع و مشتریانی در نظر می‌گیرد که نیازی به مشارکت فعال‌شان در حیات عمومی جامعه نیست (Young 1990, 67). پایبندی به الزامات چنین تحولی، ادای وظیفه شهروندی را دشوار ساخته است: «خصوصی‌سازی شخصیت‌ها، تکالیف و فعالیت‌ها را پرپها می‌شمارد. افزون بر این، بازار اقتصاد لیبرال و کسب ثروت، برخورداری از لائذ مادی را تسهیل می‌کند. این نه تنها زمان کمی برای سیاست و دیگر فعالیت‌های همگانی باقی می‌گذارد، بلکه شأن و منزلت اجتماعی چنین فعالیت‌هایی را در مقایسه با ثروت‌اندوزی و مصرف، کمرنگ می‌کند» (Schuck 2002, 137).

ب) شهروند جامعه‌گرا (سوسیالیسم)

در حالی که لیبرال‌ها شهروندی را متکی به افراد و در نتیجه، جامعه سیاسی را ناشی از تجمیع افرادی می‌دانند که هر یک همواره فرد باقی می‌مانند، جامعه‌گرایان ریشه شهروندی را در جامعه سیاسی منبعث از فرهنگ می‌دانند. بر این اساس، جامعه پر پیوندهای مستقیم استوار است، در حالی که پیوندهای اجتماع از سنخ انجمن است، «جامعه‌گرایان هویت را در پیوند با جامعه‌های متعدد تعیین و تعریف می‌کنند» (Bell 1993, 93). دو نکته مهم در رابطه با موضوع مورد بحث این نوشتار شایان توجه است: نخست، جامعه‌گرایان سیاست را صرفاً به حوزه پاسداشت از حقوق محدود نمی‌کنند، در نتیجه، تعیین حقوق شهروندی بدون تبیین رابطه آن با مفهوم زندگی مبتنی بر منفعت همگانی امکان‌پذیر نیست. دوم، مفهوم حقوق شهروندی، مفهومی هویت‌بنیاد است و برخلاف نگرش لیبرال، ظرفیت‌های معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی گسترده‌ای برای بر رسمیت شناختن گوناگونی‌های فرهنگی دارد؛ یعنی آنچه امروزه با عنوان «سیاست هویت» یا «سیاست تفاوت» شناخته می‌شود. شهروندی نه تنها با مشارکت در جامعه سیاسی، بلکه با پاسداشت از یک هویت جمعی سروکار دارد (حسینی‌بهشتی ۱۳۹۸، ۱۲). در این دیدگاه، شهروندی پیوندی وثیق با هویت دارد، هویتی که به لحاظ فرهنگی، خاص است. از طرف دیگر دیدگاه جامعه‌گرا، به لحاظ پیوند محکمی که با زمینه‌گرایی دارد.

ج) شهروند جمهوریت‌گرا

پیش از هر چیز باید به این نکته توجه کرد که منظور از جمهوریت‌گرایی، مثنی سیاسی جمهوری خواهان نیست. اصطلاح رپابلیک (جمهوری) از امر یا مایملک عمومی گرفته شده و دلالت بر این دارد که نظام جمهوری از حکومت یا اجتماعی که در آن حاکمان همه چیز، از جمله مردم ساکن در کشور، را مایملک خود بدانند، متمایز است (Rudd & Powell 1998, 43). دو عنصر مهم جمهوریت‌گرایی عبارت‌اند از: همگانی بودن (یعنی شرط باز و آشکار بودن به جای خصوصی و شخصی بودن) و خودگردانی. پیامدهای عنصر همگانی بودن، دوگانه است: نخست، سیاست به مثابه امری عمومی، باید علنی و آشکار باشد. دوم، مفهوم «عموم» صرفاً اشاره به گروهی از مردم نیست، بلکه وجه یا ساحتی از زندگی است که ملاحظات و مباحثات خاص خویش را داراست (Dagger 2002, 147). شهروندی در این دیدگاه صرفاً به حقوق (بهره‌مندی‌ها و مصونیت‌ها) ناشی از منزلت شهروندی خلاصه نمی‌شود، بلکه تکلیفی را پدید می‌آورد که برای عمل به آن‌ها، پایبندی به خیر مشترک و مشارکت فعال در امور همگانی ضروری است. شهروندی جمهوریت‌گرا دارای سه مؤلفه اصلی است: نخست، شهروندی به معنای عضویت در جامعه سیاسی و خودآگاهی شهروندان نسبت به اهمیت این نوع از عضویت است. دوم، تفاوتی است که با مفهوم شهروندی لیبرال دارد، یعنی بر پایه مفهومی از خیر مشترک با نفع همگانی قرار دارد که صرفاً مجموع منافع افراد نیست، سوم این که دیدگاه جمهوریت‌گرا، نهادهای سیاسی را دارای نقش زیادی در شکل دادن به ماهیت شهروندی و نظام جمهوری می‌داند (Schwarzmantel 2003, 7). در نتیجه، مشارکت فعال شهروندان در اداره امور جامعه سیاسی، از عناصر مهم شهروندی جمهوریت‌گرا به شمار می‌آید. این نهادها باید به گونه‌ای تحول پیدا کنند که هم به اصل دموکراتیک عدم تمرکز قدرت و هم به حضور نمایندگان هویت‌های فردی و گروهی در فرایندهای تصمیم‌گیری منجر شود.

یافته‌ها

تا قبل از انقلاب مشروطه ایران، حقوق مشخصی در ایران وجود نداشت. به دنبال انقلاب مشروطه، ایران برای نخستین بار صاحب قانون اساسی مدون گردید (طباطبائی ۱۳۸۶، ۹). پس از آن، در سال‌های بعدی، قانون اساسی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۵۸ در فصل سوم به «حقوق ملت» پرداخته است. مهم‌ترین حقوق شهروندی که قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن مهر تأیید نهاده است بدین شرح می‌باشد (با اقتباس از قانون اساسی جمهوری اسلامی): اصل برخورداری از حقوق مساوی، اصل امنیت فردی، اصل مصونیت مسکن و آزادی در انتخاب محل سکونت، اصل عدم تعرض به مکاتبات، آزادی رفت و آمد، اصل آزادی در انتخاب شغل، اصل ممنوعیت تفتیش عقاید، حقوق قضائی شهروندی، آزادی آموزش و پرورش، آزادی اخبار و اطلاعات، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، اصل حرمت مالکیت، حق تابعیت و تغییر آن. جدای از حقوق یاد شده، «منشور حقوق شهروندی» (مصوب ۱۳۹۵) را می‌توان مدون‌ترین سند احقاق حقوق شهروندی نامید. این منشور متشکل از ۲۲ بند و ۱۲۰ ماده است، که شامل بندهای زیر می‌گردد:

۱- حق حیات، ۲- حق سلامت و کیفیت زندگی، ۳- حق کرامت و برابری انسانی، ۴- حق آزادی و امنیت شهروندی، ۵- حق مشارکت در تعیین سرنوشت، ۶- حق اداره شایسته و حسن تدبیر، ۷- حق آزادی اندیشه و بیان، ۸- حق دسترسی به اطلاعات، ۹- حق دسترسی به فضای مجازی، ۱۰- حق حریم خصوصی، ۱۱- حق تشکل، تجمع و راهپیمایی، ۱۲- حق تشکیل و برخورداری از خانواده، ۱۳- حق برخورداری از دادخواهی عادلانه، ۱۴- حق اقتصاد شفاف و رقابتی، ۱۵- حق مسکن، ۱۶- حق مالکیت، ۱۷- حق اشتغال و کار شایسته، ۱۸- حق رفاه و تأمین اجتماعی، ۱۹- حق دسترسی و مشارکت فرهنگی، ۲۰- حق آموزش و پژوهش، ۲۱- حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار، ۲۲- حق صلح، امنیت و اقتدار ملی.

متخصصین امر حقوق از متن کامل منشور حقوق شهروندی، استنتاج کرده‌اند که محتوای آن شامل حق بهره‌مندی از نظام اقتصادی شفاف و رقابتی، حق مالکیت، برخورداری از مسکن، تغذیه و آب آشامیدنی سالم، رفاه و تأمین اجتماعی فراگیر، خدمات بهداشتی و درمانی، کار و اشتغال شایسته، آموزش و تحصیلات عالی و مشارکت در حیات فرهنگی است. این دسته از حقوق، با آنچه دیدگاه شهروند مصرف‌کننده (لیبرال) یادشده، همسویی دارد (حسینی‌بهشتی ۱۳۹۸، ۲۶). همچنین برخی از بندهای آن، محتوای حقوق شهروندی را به دفاع از «فرد شهروند» در مقابل مداخله حکومت تقلیل داده است. به نظر می‌رسد دیدگاهی که در بند ۱ مستتر

است، اخلاق را در معنای مدرن آن در نظر گرفته که با رویکرد لیبرال به شهروندی سازگار و نسبت به رابطه متقابل فرد و جامعه و نهادهای اجتماعی در شکل‌گیری رفتارهای فردی و اجتماعی، کم توجه است. حتی آنجا که سخن از «کرامت و برابری انسانی» است، این کرامت به ممنوعیت اعمال تبعیض‌های ناروا در قبال شهروندان و به نحوه دسترسی آنان به خدمات عمومی مثل خدمات بهداشتی، فرصت‌های شغلی و آموزشی معطوف است.

بند ۶، با عنوان «حق اداره شایسته و حسن تدبیر»، به برخورداری حق شهروندان از «اداره شایسته امور کشور بر پایه قانون مداری، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف» اشاره دارد و برخلاف تصور اولیه و در تطابق روح حاکم بر منشور، بیشتر معطوف به حق و حقوق ارباب رجوع در ادارات دولتی است تا نحوه مشارکت شهروندان در اداره امور؛ این نقد که بر دیدگاه لیبرال نیز وارد است. بند ۱۱ می‌تواند اوج توجه منشور به وجه مشارکتی حقوق شهروندی محسوب شود. در این بند حق تشکل، تجمع و راهپیمایی تبیین شده است. با این همه، با ورود به متن مواد این بند؛ به ویژه با توجه به این که حقوق برشمرده شده، چیزی به آنچه در اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی آمده اضافه نکرده است، با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت دیدگاهی که روح حاکم بر منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ حاکم است، به مواضع فکری اندیشمندان لیبرال قریب‌بیشتری دارد (حسینی‌بهشتی ۱۳۹۸، ۲۶). از این مطالب، چنین استنباط می‌شود که منشور حقوق شهروندی ایران، با وجود ریشه داشتن در قانون اساسی، زمینه را برای گسترش تفکر لیبرالیسم فراهم آورده است، بنابراین در صورتی که محتوای آن در معماری وارد شود، می‌تواند در گسترش تفکر فوق‌کمک‌کننده باشد. از طرفی با توجه به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ضروریست که راهکاری در راستای ارتقای اسلامی منشور حقوق شهروندی ارائه شود، بنابراین در بخش بعدی، خلاصه‌ای از قوانین اسلام در باب حقوق شهروندی ارائه خواهد شد.

براساس آیات قرآن، هدف دین اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین-سعادت دنیوی و اخروی انسان‌هاست، با توجه به این برای این گزاره محدودیت‌های زمانی و مکانی در نظر گرفته نشده است بنابراین می‌توان راهکارهای آن را به عنوان سرلوحه و پیش‌فرض برای ارتقا علوم مختلفه در نظر گرفت (جوادی‌آملی و خلیلی ۱۳۸۸). با توجه به این مطالب، منابع اسلامی می‌توانند به عنوان مبنایی جامع و مانع در راستای ارتقا منشور حقوق شهروندی مطرح شود.

بنیان‌های فکری نظام حقوقی اسلام، برخلاف آنچه در قسمت پیشین اشاره شد، تلقی‌کننده الگوی صرف دولت-ملت نیست؛ آن را نامشروع می‌داند و نظام حقوقی جدیدی را پیشنهاد می‌کند. این نظام، برای مردم جایگاهی متفاوت، اما واقعی ترسیم می‌کند و نتیجه‌ای آن، شهروند فعال، مکلف در عین حال، ذی حق است. به منظور تبیین صحیح جایگاه مردم در نظام اسلامی باید بدو و به اختصار، نگاه اسلام به عالم هستی، انسان و روش‌های کسب معرفت (هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی) بررسی شود تا بتوان براساس آن، جایگاه مردم را در این نظام تبیین کرد. در مبانی هستی‌شناسی، نکته‌ی اصلی آن است که، «توحید»، مبنا و نقطه‌ی عزیمت هر نظریه‌ای به شمار می‌رود. بسط توحید در عرصه‌ی اجتماع و سیاست و اقتصاد، به شکل‌گیری نظام توحیدی، حاکمیت قوانین الهی در جامعه منجر می‌شود. در فلسفه‌ی اسلامی، توحید منشأ همه‌ی عقاید و احکام است و مقوله‌های مختلف در نظام سیاسی و اقتصادی، مانند حد و مرز آزادی‌ها، جایگاه قانون، ساختار حکومت، اختیارات حاکم و نقش مردم در این امور، همه برگرفته از عقاید اسلامی، یعنی توحید است. بر این اساس، مهم‌ترین ویژگی سیاست اسلامی، در مقایسه با اندیشه‌ی بررسی شده، خدامحوریست (نوروزی ۱۳۸۸، ۷۰).

از طرفی انسانی‌شناسی اسلامی، تعریف آدمی بر مبنای چهار لایه وجودیست (که شرح آن ارائه شد) و این چهار لایه مبنای اعمال دیگر است (نقره‌کار ۱۳۹۳) در مبنای معرفت‌شناسی نیز، در حالی که در جهان‌بینی مادی، علم تجربی مهم‌ترین معیار شناخت به شمار می‌رود، در جهان‌بینی الهی، عقل، حس، وحی و شهود از منابع شناخت محسوب می‌شوند. از جمله مهم‌ترین نتایج این نگرش در بحث حقوق شهروندی، این است که باید چارچوب‌های اصلی حقوق شهروندی، برآمده از عقاید، احکام و اخلاق اسلامی باشد، چراکه مشروعیت‌بخشی به حقوق از آن خداوند است. همچنین، التزام و رعایت به حقوق شهروندی توسط حاکم اسلامی، امری کاملاً مرتبط با مشروعیت قدرت اوست، چرا که واضع این حقوق، خداوند متعال است و نقض آن موجب زوال صفاتی چون عدالت و تقوا می‌شود (نوروزی ۱۳۸۸، ۷۰). بنابراین، مهم‌ترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی قرآن کریم است که «تبیان کلّ شیء» بوده و تجددی را که بشریت در عرصه ارتباطات فردی، اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی بدان نیازمند است، به بهترین صورت برای جوامع بشری به ارمغان می‌آورد. سیره نبوی و دیگر معصومان (علیهم‌السلام) نیز مطابق با درک درست مفاهیم آن کتاب عظیم است. براساس قرآن می‌توان اصول حقوق شهروندی را در بندهای زیر اعلام کرد:

- حق کرامت و احترام انسانی (نحل ۹۰، حجرات ۹، نسا ۱۳۴، آل عمران ۱۶۴، اسراء ۷۰، نور ۲۳ و ۲۴).
- حق امنیت (مائده ۳۲، بقره ۱۹۱ و ۲۱۷، حج ۷۷، براءت ۹۲).
- حق رفاه و آسایش (بقره ۲۹ و ۱۶۸؛ حجر ۲۱؛ طه ۸۱؛ ق ۱۱؛ ملک ۱۵).

علاوه بر قرآن، می‌توان حقوق شهروندی اسلامی را در کلام و سیره امیرالمؤمنین (ع) به صورت مبسوط‌تری ارائه کرد، امام علی (ع) درباره حق دو تعبیر ارائه داده‌اند، در تعبیر نخست، «حق» دارای مفهومی گسترده است و شامل انواع گوناگونی می‌شود، اما به هنگام رعایت و عملی کردن آن زمینه و ابعادی محدود دارد، در تعبیر دوم، امام حق را در برابر تکلیف مطرح می‌کنند که همان مسئله پیوستگی حق و تکلیف است. هر جا حقی وجود دارد، تکلیفی نیز بیان شده و برعکس. در هیچ جا حق یک جانبه وجود ندارد؛ حتی در برابر حق خدا که صاحب بالاترین حق بر مردم است، حقوقی برای مردم وجود دارد. حق هدایت و حق فرستادن پیامبران و امامان و قرآن (دستورها و قوانین بهتر زیستن) از جمله حقوق مردم بر خداوند است. امام علی (ع) دایره حقوق را از روابط میان انسان‌ها فراتر دانسته و آن را به روابط میان انسان‌ها و پروردگار نیز تعمیم می‌دهد؛ چنان که می‌فرماید: «بی‌گمان در برابر هر نعمتی، خدا را حقی است». در نظام حقوق علوی، دو نوع حق را می‌توان از هم تفکیک کرد: نوع اول حقوق خداوند (حق الله) است که حقوق شهروندی برپایه حقوق الهی و برگرفته از قواعد و متن دین و بر مدار توحید استوار است و مبنای و چارچوب حقوق و قواعد آن به جعل و اعتبار الهی مشروعیت پیدا می‌کند. با توجه به اینکه برخی حقوق در نظام تکوین، منشأ فطری و طبیعی دارد و برخی در نظام تشریح قراردادی بوده و خداوند خالق نظام تکوین و تشریح است، می‌توان گفت که سرچشمه حقوق انسان‌ها (حق الناس) خداوند و به صورت واحد بوده و اعتبار و ارزش قوانین و از جمله حقوق شهروندی، اراده الهی است (فاطمی ۱۳۹۳، ۵۴). اما آنچه در مورد حق خداوند و اهمیت آن گفته شد، بدین معنی نیست که حضرت علی (ع) از حقوق مردم غفلت کرده‌اند؛ بلکه برعکس، همه مسلمانان باید حقوق دیگران را رعایت کنند. البته رعایت این حقوق باید در راستای اجرای حقوق الهی باشد؛ یعنی قصد و هدف اجرای حقوق الهی است و به تبع آن حقوق تمام مردم نیز باید رعایت شود.

درباره اهمیت حقوق مردم و تقدم حق مردم بر حق الله، امام در نهج البلاغه می‌فرماید: «خداوند سبحان حقوق بندگان را بر حقوق خود مقدم قرار داده است؛ پس هر کس برای ادای حقوق بندگان خدا قیام کند، در واقع، همین عملش او را به ادای حقوق الهی می‌کشاند» (محمدی‌شهری، ۱۳۷۹، ۶۸). پس به لحاظ اینکه مراد از حق الناس حق مربوط به فرد یا افراد خاصی است و حق الله در برابر آن قرار می‌گیرد، می‌توان مقصود از آن را حقوق عمومی جامعه دانست؛ به ویژه اینکه حق الله را نمی‌توان بر معنی حقیقی آن حمل کرد و ایفا نمود، زیرا خداوند صمد و بی‌نیاز است. هر شهروند مسلمان باید حقوق شهروند دیگر را رعایت کند؛ زیرا رعایت این حقوق در راستای اجرای حقوق الهی است و هدف اجرای حقوق الهیست، اگر چه به تبع، حقوق شهروندان باید محقق و رعایت شود. البته حقوق متقابل فقط در رابطه با حقوق متقابل شهروندان و حکومت نیست؛ بلکه در روابط بین شهروندان و طبقات در سطح فردی و اجتماعی نیز صادق است. امام درباره حقوق متقابل افراد، برای تبیین حقوق پدر و فرزند، ابتدا به متقابل بودن حقوق اشاره کرده‌اند (با اقتباس از نهج البلاغه). برای رسیدن به تقسیم‌بندی کلی و در عین حال دقیق و پویا و برای ایجاد تناسب آن با نظام‌های سیاسی در جهان کنونی، با لحاظ کردن همه حقوقی که به مثابه حق شهروندی در سیره امام علی (ع) وجود دارد، حقوق شهروندی را به دو نوع شاخص کلی تقسیم می‌شود:

۱- شاخص‌های بنیادین (اصول نظری): مجموعه شاخص‌ها و حقوق ساختاری است که زیر بنای همه حقوقی را که به عنوان حق شهروندی در سیره امام علی (ع) وجود دارد، تشکیل می‌دهد؛ ضمن اینکه این نوع شاخص در هر وضع زمانی و مکانی ثابت بوده و بدون توجه به آن‌ها، شکل‌گیری حقوق شهروندی دور از واقعیت است. سنگ بنای مبانی حقوق شهروندی در نهج البلاغه را اصولی تشکیل می‌دهند که مسیر دستیابی جامعه به این حقوق را هموار می‌سازد و شامل موارد زیر است:

- حق وحدت، انسجام و امنیت
- انصاف و برابری
- پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری
- رعایت حق و تکلیف
- قانون‌مداری
- مهرورزی و مردم‌داری
- مشارکت آگاهانه مردم در تعیین سرنوشت (با اقتباس از نهج البلاغه).

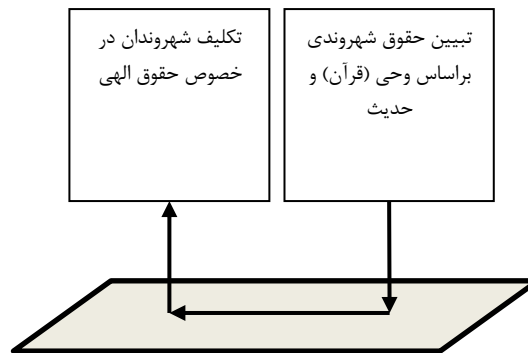
۲- شاخص‌های راهبردی: مجموعه شاخص‌های حقوقی است که شهروندان به واسطه زندگی در اجتماع انسانی و زندگی فردی، در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، قضائی، مدنی و غیره از آن برخوردار می‌شوند. این قسم بزرگترین و اساسی‌ترین حقوقی است که برای هر شهروند وجود دارد. این نوع شاخص‌ها برخلاف شاخص‌های بنیادی در اوضاع زمانی و مکانی مختلف تغییرپذیر است (فروع راهبردی و عملی). نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است و منجر به ایجاد ساختاری منطقی برای حقوق شهروندی اسلامی می‌گردد، توجه به شرایط زمان و مکان است، از این امر می‌توان به عنوان «اجتهاد ترجیحی» (لبیب‌زاده و حمزه‌نژاد ۱۳۹۷، ۵۸) یاد کرد. بنابراین می‌توان با بررسی همپوشانی حقوق شهروندی مستخرجه از مبانی اسلامی و بندهای منشور حقوق شهروندی، تشابهات (یا تمایزات احتمالی) میان دو بحث را مشخص و اصول منشور حقوق شهروندی اسلامی را بیان کرد. بنابراین براساس محتوای بررسی شده در بخش‌های قبلی و با الگوگیری از منشور حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۹۵) منشور ارتقا یافته حقوق شهروندی با عنوان «منشور اسلامی حقوق شهروندی» شامل بندهای زیر و براساس «دوگانه حق و تکلیف» پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- حق حیات با کرامت و احترام انسانی / تکلیف حفظ کرامت دیگران
- ۲- حق امنیت (مثل صلح، برخورداری از امنیت اقتصادی، برخورداری از قوای قدرتمند نظامی و اقتصادی) / تکلیف مسئولیت در برابر حفظ امنیت جامعه و دیگر شهروندان
- ۳- حق برابری و عدالت / تکلیف رعایت انصاف
- ۴- حق آموزش بصیرانه / تکلیف پذیرش آموزش صحیح
- ۵- حق آزادی اندیشه، بیان و دسترسی به اطلاعات / تکلیف سواد رسانه‌ای و تحلیل بصیرانه
- ۶- حق مشارکت در تعیین سرنوشت / تکلیف اخذ مناسب‌ترین تصمیم
- ۷- حق مشارکت در حفظ فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی / تکلیف حفظ و نشر فرهنگ ایرانی-اسلامی
- ۸- حق اداره شایسته و تدبیر صحیح جامعه براساس اصول اساسی اسلام / تکلیف تعاون و همکاری در اداره جامعه
- ۹- حق حفظ حریم خصوصی / تکلیف عدم تجسس
- ۱۰- حق اعتراض و پرسش‌گری از مسئولین / تکلیف رعایت عدالت و ادب در پرسش‌گری
- ۱۱- حق تشکیل و برخورداری از خانواده / تکلیف رعایت اخلاق خانواده
- ۱۲- حق برخورداری از دادخواهی عادلانه / تکلیف حق‌پذیری در دادخواهی
- ۱۳- حق آسایش و رفاه (مثل حق مسکن، اشتغال و ...) / تکلیف حضور پویا در جامعه
- ۱۴- حق انسجام و وحدت رویه در جامعه / تکلیف حفظ وحدت
- ۱۵- حق قانون‌مداری (بین مسئولین و شهروندان) / تکلیف رعایت قانون
- ۱۶- حق مهرورزی و مردم‌داری / تکلیف گسترش مهر و حسن‌ظن
- ۱۷- حق محیط زیست سالم / تکلیف حفظ محیط زیست

تحلیل یافته‌ها

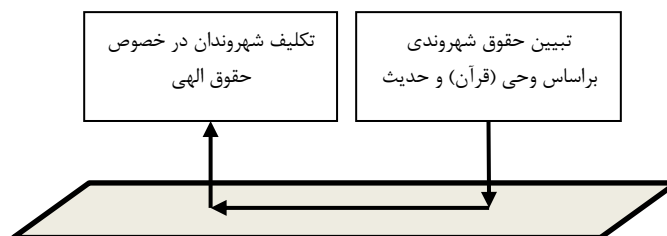
همان‌گونه که مشخص شد، هرکدام از مدل‌های بررسی شده، از منظر خود مسائل مختلفی را در روند طراحی بررسی کردند، حتی مدل ارتقا یافته تبیین‌گر رابطه محتوا و معماری، توجه توأمان به جایگاه محتوا، تاثیرات و آثار آن بر مخاطب و مسائل در مبحث کلان و بالادستی بدون پرداختن به مصادیق محتوایی بررسی کرد. در بررسی‌های مرحله دوم معلوم شد که حقوق شهروندی می‌تواند به عنوان «محتوای مصادیقی» در روند طراحی موثر باشد، این امر بدین معناست که حقوق شهروندی می‌تواند به عنوان یک عامل در کنار عوامل مختلف دیگر در روند طراحی موثر باشد. در بررسی‌های حقوق شهروندی معلوم شد که مباحث این باب از علوم، ریشه در جامعه کهن یونان داشته و در طول تاریخ به صورت یک مفهوم پویا ملبس به اندیشه‌های مختلفی مانند لیبرالیسم، سوسیالیسم و ریپابلیکانیسم شده است، بنابراین می‌توان گفت که این مفهوم می‌تواند وابسته به شرایط زمانی و مکانی ترجمان‌های مختلفی را نمایندگی کند، با همین دیدگاه منشور حقوق شهروندی ایران نیز در سال ۹۵ تصویب شد.

بنابر نظر برخی اندیشمندان علم حقوق منشور مصوب ۱۳۹۵ تا حدودی با تفکرات لیبرالیسم همخوانی داشته و موکد بر حقوق «فرد شهروند» است (حسینی‌بهشتی ۱۳۹۸) در صورتی که در منابع اسلامی حق و تکلیف مکمل یک‌دیگر بوده و هر جا که حقی بیان شده در ازای آن تکلیف معین گشته است، این قاعده حتی در حقوق الهی نیز جاری است (مثل حق نزول پیامبران راهنما که از حقوق مردم نسبت به خداوند در مقابل تکلیف عبد بودن و هدایت شدن است). همچنین در خوانش اسلامی حقوق شهروندی مشخص شد که «حق الناس» مفهومی اساسی بوده و در تمام زمان‌ها رعایت آن ضروری و لازم است، این اهمیت به حدیست که بالاتر از حق‌الله معرفی شده و ایفای حق‌الله وابسته به ایفای حق الناس است (محمدی‌ری‌شهری ۱۳۷۹). با توجه به این تفاسیر، می‌توان محتوای منشور حقوق شهروندی برای طراحی مدل طراحی به صورتی که بندهای آن متشکل از دوگانه حق-تکلیف بوده و پویایی آن با توجه به شرایط زمان-مکان حفظ گردد را ارائه کرد، بدین ترتیب که تمام حقوق وابسته به حق‌الله بوده و از طریق قرآن و حدیث قابل استنباط است (تصویر ۶)

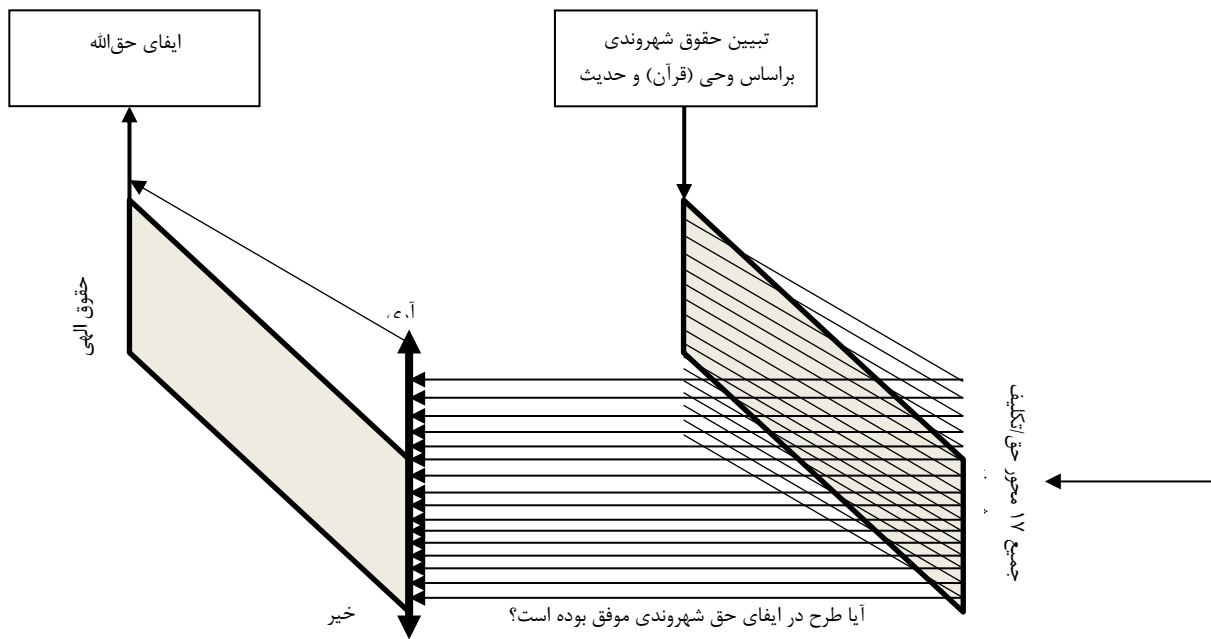


تصویر ۶. جایگاه حقوق اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه. بر این اساس وجه اعتبار تمامی حقوق وابسته به خداوند است که از طریق وحی و حدیث در جامعه تبیین می‌شود، در مقابل شهروندان نیز موظف به ایفای حق‌الله هستند.

از طرفی نیز شهروندان موظف به ایفای حق‌اللهی شده‌اند، و ایفای حق‌الله در گرو ایفای حق الناس (حق شهروندی) اعلام شده، بنابراین ایفای حقوق شهروندی مساوی با ایفای حق‌الله است. از طرفی نیز مشخص شده حقوق شهروندی اسلامی مبتنی بر ۱۷ بند در راستای تعریف حقوق و تکالیف متقابل است. با توجه به تصویر ۶ و بندهای ۱۷گانه منشور، و با توجه به اصل تقدم حق الناس بر حق‌الله می‌توان مدل کاربردی حقوق شهروندی را ارائه داد، بدین ترتیب که حقوق شهروندی از جانب قرآن و حدیث استخراج شده و شرط ایفای آن نسبت به خداوند، ایفای حق الناس (حقوق شهروندی) است، بنابراین مدل مذکور به صورت محاط انواع مدل‌های طراحی در در بر گرفته و در هر بندی ایفای حقوق شهروندی را ارزیابی می‌نماید، در صورتی ارزیابی طرح نسبت به هر بند مثبت اعلام شود، می‌توان گفت که منجر به ارتقای حقوق شهروندان خواهد شد، و در صورت عدم توفیق طرح در ارزیابی مدل حقوق شهروندی، مبانی نظری آن باید بازخوانی شود. در تصویر ۷ می‌توان مدل بررسی حقوق اسلامی شهروندی و طریقه عملکرد آن در ارتباط با دیگر مدل‌ها را مشاهده کرد.



تصویر ۷. جایگاه حقوق اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه. بر این اساس وجه اعتبار تمامی حقوق وابسته به خداوند است که از طریق وحی و حدیث در جامعه تبیین می‌شود، در مقابل شهروندان نیز موظف به ایفای حق‌الله هستند.



تصویر ۷، مدل تاثیر حقوق شهروندی بر روند طراحی، این مدل به صورت محاط مدل های مختلف طراحی را در بر گرفته و نسبت به ارزیابی ایفای حقوق شهروندی در آن ها اقدام می نماید، براساس این مدل در صورتی که طرح موفق به ایفای جمع حقوق شهروندی کند، می تواند حقوق الهی را نیز ایفا نماید، در غیر این صورت ضروری است که طراح نسبت بازنگری مبانی نظری طرح تجدید نظر نماید.

نتیجه گیری

هدف این مقاله طراحی مدل کاربردی «حقوق اسلامی شهروندی» و مشخص کردن جایگاه آن به عنوان «محتوای مصداقی» در مدل های طراحی اعلام، و مسیر دستیابی به این هدف در سه گام اصلی تعریف شد، بررسی های گام اول مشخص کرد که مدل هایی جهانی در بررسی دقیق محتوای اثر ناراسایی هایی داشته و از طرف دیگر به صورت بسیار کلی به مسائل طراحی نگاه کرده اند، و تنها مدل تبیین گر رابطه محتوا و معماری رویکردی اسلامی داشته و با رویکرد اسلام گرای مقاله هماهنگ است. بررسی های گام دوم مشخص کرد حقوق شهروندی مفهومی پویا بوده و بر حسب شرایط زمانی و مکانی تعابیر مختلفی از آن ارائه شده است (مثل تعریف لیبرالیسم، سوسیالیسم و جمهوری خواهانه از آن)، از طرف دیگر نیز مشخص شده منشور حقوق شهروندی ایران هسو با تفکرات لیبرال بوده و نقدهایی به آن وارد است و برای جبران این موضوع، منابع اسلامی می تواند به عنوان سندی بالادستی بستر ارتقای آن را فراهم آورد. براساس منابع اسلامی، حقوق شهروندی برآمده از دین، مبتنی بر دوگانه «حق و تکلیف» است (برخلاف حقوق شهروند لیبرال که مبتنی بر حقوق فرد است)، اعتدال بین منافع فردی و جمعی را مد نظر دارد (برخلاف حقوق شهروند سوسیالیسم که مبتنی بر ارجحیت منافع جمعی بر منافع افراد است) و اعتبار آن وابسته به خدامحوری و اصل وحدت است (برخلاف حقوق شهروند جمهوری خواه که مردم بالاترین نهاد هستند)، با این حال در منشور حقوق شهروندی اسلامی حق الناس مقدم بر حق الله است و شرط ایفای حق الله، ایفای حقوق شهروندی است. این مطالب منجر به طراحی مدلی سه بعدی شد که به صورت محاط، دیگر مدل های طراحی را در بر گرفته و میزان احقاق حقوق شهروندی در آن ها را ارزیابی می نماید. لازم به ذکر است که مبانی حقوق شهروندی ارائه شده در این مدل براساس آموزه های اسلام است، اما می توان مبانی آن را بر حسب شرایط مختلف زمانی-مکانی هماهنگ کرد.

مراجع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اتو، وین. ۱۳۹۴. معماری و اندیشه نقادانه، ترجمه امینه انجم شعاع، تهران: فرهنگستان هنر.
۴. بشریه، حسین. ۱۳۸۶. آموزش دانش سیاسی، تهران: نگاه معاصر.
۵. بی نام. ۱۳۹۵. منشور حقوق شهروندی.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ۱۳۸۷. علم حقوق در گذر تاریخ. تهران: گنج دانش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، و مصطفی خلیلی. ۱۳۸۸. حق و تکلیف در اسلام. قم: اسراء.
۸. حسینی بهشتی، سید علیرضا. ۱۳۹۸. منشور حقوق شهروندی: ارزیابی نقادانه از منظر میان رشته ای. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی ۱۱(۳): ۱-۲۹.
۹. دورک، دانا. پی. ۱۳۹۴. برنامه دهی معماری، ترجمه امیرسعید محمودی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. راپاپورت، آموس. ۱۳۹۱. فرهنگ، معماری و طراحی، ترجمه ماریا برزگر و مجید یوسف نیاپاشا. ساری: شلفین.
۱۱. طباطبائی، جواد. ۱۳۸۶. تاملی درباره ایران. تهران: مینوی خرد.
۱۲. فاطمی سیدعلی. ۱۳۹۳. مؤلفه های حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی (ع). فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام ۴ (۲): ۴۷-۷۲.
۱۳. کریمی، عباس، و غلامرضا کامیار. ۱۳۹۶. حقوق شهروندی در قلمرو شهرنشینی. تهران: نشر دادگستر.

۱۴. گروث، لیندا، و دیوید وانک. ۱۳۹۴. روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علی‌رضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. لاوسون، برایان. ۱۳۹۲. طراحان چگونه می‌اندیشند، ترجمه حمید ندیمی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. لیب‌زاده، راضیه. ۱۳۹۶. تحقق‌پذیری حقوق شهروندی در شهر ایرانی-اسلامی با تاکید بر حق منظر شهری. سخنرانی ارائه شده در اولین همایش ملی شهر ایرانی-اسلامی، تهران.
۱۷. لیب‌زاده، راضیه، مهدی حمزه نژاد، و محمدعلی خان محمدی. ۱۳۹۶. ارزیابی مدل‌های تبیین‌گر طراحی معماری به منظور ارتقاء جایگاه محتوا در آن‌ها. معماری و شهرسازی ایران ۸(۲): ۱۷-۳۱.
۱۸. لیب‌زاده، راضیه، و مهدی حمزه‌نژاد، ۱۳۹۷. مدل‌سازی معنایی در ساختار شهر و بررسی دیدگاه‌های اسلامی درباره آن. مطالعات شهر ایرانی-اسلامی ۸(۳۲): ۴۳-۶۰.
۱۹. لنگ، جان. ۱۳۹۳. آفرینش نظریه معماری، ترجمه علی‌رضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. محمدی‌شهری، محمد. ۱۳۷۹. میزان‌الحکمه. تهران: دارالحدیث.
۲۱. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۴. برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری. تهران: فکرنو.
۲۲. نقره‌کار، عبدالحمید، فرهنگ مظفر، و سمانه تقدیر. ۱۳۹۳. بررسی قابلیت‌های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخ‌گویی به نیازهای انسان از منظر اسلام، مطالعه موردی: خانه‌های زینت الملک شیراز و بروجردی‌های کاشان، مطالعات شهر ایرانی-اسلامی ۴(۱۵): ۲۱-۳۴.
۲۳. نوروزی، محمدجواد. ۱۳۸۸. فلسفه سیاسی اسلام. قم: انتشارات امام خمینی.
24. Bell, Daniel. 1993. Communitarianism and its critics. Oxford: Oxford University Press.
25. Dagger, Richard. 2002. Republican citizenship. London: Sage.
26. Lessnoff, Michael. 1999. Social Contract Theory. Oxford: Basill Blackwell.
27. Rudd, Niall, & Jonathan G. F. Powell. 1998. The Republic and The Laws. Oxford: Oxford University Press.
28. Schuck, Peter H. 2002. Liberal citizenship. Harvard: Harvard University Press.
29. Schwarzmantel, John. 2003. Citizenship and identity: towards a new republic. London: Routledge.
30. Terner, Bryan. 2007. The concept of citizenship. Translated by Javad Kargozari, The Judiciarys Law Journal, 71(58): 153-172.
31. Turner, Bryan, & Engin F. Isin . 2002. Handbook of Citizenship Studies, London: Sage.
32. Young, Iris Marion. 1990. Justice and the politics of difference, New Jersey: Princeton University.